



سی و سه پل برای رفتن یا ماندن

جامعه فردا؛ فارغ از اینکه خبر نشست سی و سه پل راست باشد یا دروغ دو سناریوی جدی درباره آینده این اثر تاریخی مهم وجود دارد که برگرفته از گذشته است و اظهاراتی که پیشتر درباره این پل باستانی مطرح شده و نمی‌شود آن را کتمان کرد.

سناریوی اول به حدود ده سال پیش برمی‌گردد. وکیل پرونده حقوقی مترویی اصفهان یک روز قبل از جنجالی شدن پرونده، خبرنگاران انگشت شماری را به یکی از موزه‌های کشور دعوت کرد و به آنها چند نکته مهم گفت. دادخواه در آن نشست به مصوبه شورای عالی ترافیک کشور و همچنین رأی بازپرس اوّلین پرونده شکایت از متروی اصفهان در سال هزار و سیصد و هشتاد و پنج، اشاره کرد که بر اساس آن، حفر تونل مترو در حریم خیابان چهارباغ ممنوع شده و بر این اساس هیچ فرد یا سازمانی نمی‌تواند در حریم این خیابان اقدام به حفر تونل کند و مقامی هم حق صدور مجوز برای این منظور ندارد.

اما عبور مترو از خیابان شمس آبادی اصفهان که توسط شهرداری و با تصویب شورای شهر این شهر همراه بوده، آنچنان که دادخواه هشدارش را داد «قانون گریزی و سرپیچی مسئولان شورای شهر و قطار شهری اصفهان از این مصوبه شورای عالی ترافیک و رأی بازپرس اوّلین پرونده شکایت از متروی اصفهان» بوده و «دهن کجی» آنها به قانون، این پل را در وضعیت امروز قرار داده است. اگر خبر نشست سی و سه پل در دست باشد، به این معناست که یک دهه فعالیت‌های میراثی و مراقبتی نتوانسته کاری کند که مترو در نقشه‌های حفاری خود تغییری داشته باشد، هر چند که سرانجام کار روشن بود. با این حساب، اصفهانی‌ها دارا مترو می‌شوند اما برای رسیدن به این خدمات شهری، یکی از مهمترین چالنده‌های گردشگری، فرهنگی و منابع هر آمد خود را فدا خواهند کرد. سناریوی دوم، سناریویی است که مدیرکل میراث فرهنگی اصفهان به‌عنوان دولت در حال نوسختن آن است. بر اساس این سناریو، به محض انتشار فیلم نشست پل، روابط عمومی دست به کار می‌شود و با جوابیه‌ای به نقل از الپهاری، اینس خبر را تکذیب می‌کند. فاکت مورد نظر این جوابیه دو دوره مرمت انجام شده روی پل است: «نشست سی و سه پل صحت ندارد و قوسی که در تصاویر نشان داده شده، سالهاست وجود دارد. شاید کسانی که این قوس را دیده‌اند، نخستین بار است از روی سسی و سه پل رد شده‌اند، این قوس اتفاق تازمائی نیست و از سالها پیش از اطلاع داریم.» و گفته است: «دو دوره مرمت اساسی روی پل در دهه ۴۰ و پس از انقلاب انجام شده و این قوس شناسایی شده بود و اکنون نیز کارشناسان اداره کل میراث فرهنگی اصفهان در حال بررسی وضعیت سی و سه پل هستند.» این سناریو اما جای یک فاکت مهم ر لحاظ می‌کند اگرچه اشاره‌ای به آن ندارد. به فرض پذیرش این واقعیت که قوس به وجود آمده در سی و سه پل تازه نیست، کارشناسان میراث فرهنگی چطور آثار خشکی زاینده‌رود را روی پایه‌های پل در که از ملات ساروج ساخته شده و نیازمند آن است که مدام مرطوب بماند) توجیه می‌کنند؟

ایرانی‌ها در میان اینس اخبار ضد و نقیض، به جای افتادن از هر طرف بام، نگران پلی هستند که سیصد سال از تاریخ ساخت آن می‌گذرد اما در ۴۰ سال اخیر، آماج اخبار و حواشی مختلف بوده و هست، پلی که جشن آب‌پاشن و خاج‌شویان ارمانه اصفهان را قرن‌ها، مدیریت می‌کرده و حالا ممکن است به سادگی چند تصمیم غلط، برای همیشه نابود شود و خاطرات جمعی ایرانیان از نصف جهان را با خود به بستر خشک زاینده‌رود بریزد.

غلط‌گیری کتب درسی روی نیمکت

روحانی توقع زیادی از کتب درسی دارد. کتاب‌های درسی که روی نیمکت‌های چوبی کلاس درس، اشکالات ظاهری و ایرادات محتوایی آن یکی پس از دیگری رونمایی می‌شود، چه توقعی است که بتواند کودکان را برای فردا آماده کند.

در کتاب فارسی سال پنجم دبستان در بخشی با عنوان «بخوانید و ببیندشید» خواهیم دید که در معرفی فردوسی به عنوان فرزند ایران، به بیان داستان زال و سیمرغ از شاهنامه به عنوان گنجینه فرهنگ ایران کهن پرداخته است.

در بخشی از این داستان نوشته شده است؛ سام به دیدار فرزند شتافت، اما چون موی سفید او را دید غمگین و شرمسار شد. فقط کمی قدرت تصویرسازی نیاز است برای ساخت صحنه کلاس


نرگس ملک‌زاده

عضو کانون صفتی معلمان تهران

این بار بیاییم و فراموش نکنیم، بیایید و بررسی‌م مسئول این اشتباهات یا سهل‌انگاری‌های کیست؟ چه کسی باید پاسخ دهد؟ در دفتر تالیف کتب درسی چه می‌گذرد؟ آیا بازاندمشی و تعیین حوزه عمل و برنامه‌ریزی و گردآوری در دستور کار این بخش است؟ آیا این دفتر به بازسازی ساختارها و در نهایت به بازآفرینی اعتقادی دارد؟ آیا قبل از عملیاتی شدن برنامه‌هایشان از آنها ارزیابی می‌شود؟ اگر پاسخ مسئولان به سوالات مثبت است پس چرا در زمان گردآوری در برنامه استراتژیک آموزشی خود فقط به شناسایی باورها و ارزش‌ها پرداخته و خبری از بررسی‌های درون سازمانی و برون سازمانی نیست و اگر هم این بررسی‌ها صورت می‌گیرد چرا نتایج آن در کتب درسی منکس نشده‌است؟ در مرحله برنامه‌ریزی بخشی را برای تعیین نقاط قوت و ضعف فرصت‌ها و تهدیدها در نظر نگرفته‌است؟



رخ می‌دهد.

طی روزهای گذشته رسانه‌های رسمی به نقل مهدی زارع، استاد پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله اخباری منتشر کرده و نوشته‌اند: احتمال زلزله ۷٫۵ ریشتری از دو تا ۱۶ هفته پیش‌رو وجود دارد! زارع در این باره به جامعه فردا می‌گوید: آنچه که در تهران می‌توان انتظار داشت «احتمال رخداد» است. بر اثر یک زلزله‌ای که چند روز پیش آمده و یکسری پس لرزه داشته است، آنچه به عنوان احتمال رخداد بالای هفت می‌توانیم داشته باشیم، بر اساس آماری است که از زلزله‌های گذشته می‌توانیم بگیریم. به همان اندازه که احتمالاً رخ می‌دهد، به همان اندازه احتمال دارد رخ ندهد.

او تأکید دارد که «احتمال رخداد» بر اساس رخداد تهران بالای ۷ ریشتر است. از زلزله اصلی و پس لرزه‌های آن و سنجش احتمال رخداد، نوعی نتیجه‌گیری می‌توان کرد. تغییر احتمال به این بستگی دارد که شما چه انتظاری در آینده دارید. ما از ۱۱۷ سال پیش تاکنون زلزله‌ها را بررسی کرده‌ایم. ۵۰ سال شبکه زلزله‌نگاری در کشور فعالیت می‌کند و بر اساس دیتاها و تجربه زلزله‌های قبلی و تحرکات صفحات و دلایل دیگری می‌توان این وضعیت را احتمال بدیم. ما کشوری هستیم که ریسک رخداد زلزله داریم و بر اساس ریسک

به یک احتمال می‌رسیم.

زارع همچنین در مورد تأثیر تغییرات اقلیمی بزر زلزله در ایران گفت: اینکه تغییرات اقلیمی یا خشکسالی می‌توانند به طور مستقیم سبب زلزله شوند، نه چنین نیست؛ ولی می‌توانند زلزله به‌خصوص در مناطقی که از تغییرات خشکسالی و اقلیم متأثر هستند، تشدید کند.

زلزله ۶ ماه قبل از وقوع قابل پیش‌بینی است!

علی‌اصغر برهمند که خود را مخترع اقلیمی بزر زلزله در ایران می‌داند به «جامعه‌فردا» می‌گوید: حدود ۱۰ سال است به طور مداوم در بحث پیش‌بینی زلزله کار می‌کنم. تجربیات پژوهش‌های مثل ژاپن، چین، آمریکا و حتی کشورهای آسیای میانه را مطالعه کرده‌ام. من مخترع هستم. دیدن من با تفاوت دارد. من همیشه دنبال ساخت راه جدید هستم. درهای بسته را باز کنم و یا راه جدیدی ایجاد کنم.

او می‌افزاید: من خیلی بحث تخصص را قبول

در ذهن، «معلم رو به دانش آموزان می‌کند و می‌گوید به همین دلیل فرزند‌سام نرمیان را»! نامیدند. نگاهی دوباره به تیتتر درس می‌اندازد. «زاغ و سیمرغ!»

چند ماهی می‌گذرد؛ آن زال زاغ شده فراموش می‌شود مثل هر آنچه که در این سال‌ها درگیرش بودیم و گذر زمان، گرد فراموشی بر آن باشد. این بار نوبت سال دهم است، درس جغرافیا تصویری که مرکز استان مازندران را بابلل اعلام می‌کند. در همین روزهاست که به لطف دقت و سواد حرفه‌ای مؤلفان رودخانه تجن نیز از سوراخ حذف شده و فرود گاه سری بدون هیچ هزینه‌ای فقط از طریق کتاب درسی تعلیمات اجتماعی سال پنجم نصب مردم بالسر می‌شود.

احتمالات و پیش‌بینی‌های زلزله در گفت‌وگو با متخصصان و مدعیان

پاسخ به شایعات زلزله

- جواد حیدریان**

روزنامه‌نگار

آیا واقعا زلزله قابل پیش‌بینی نیست؟ کشوری با حجم خطرپذیری بالا مانند ایران، چرا هنوز نتوانسته سازمان‌های قوی و هوشمند برای پیش‌بینی و هشدار ایجاد کند؟ آیا بقیه دنیا توانسته‌اند به چنین توانی دست یابند؟ بهرام عکاشه از تحصیل‌کردگان قدیمی علم زلزله‌شناسی در ایران است. رسانه‌ها به او لقب پدر علم زلزله داده‌اند. او بر این باور است که زلزله هنوز قابل پیش‌بینی نیست و از قضا جا به جا خواهد و حتی ایران دلایل وقوع آن باهم فرق دارد. مهدی زارع، مدیر گروه زلزله‌شناسی مهندسی، مرکز پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله است. او می‌گوید به‌زودی بشر خواهد توانست زلزله‌ها را پیش‌بینی کند، اما هنوز به آن توان علمی و تکنیکی دست پیدا نکرده‌است.
علی اصغر برهمند، نه زمین‌شناس است و نه زلزله‌نگار، او مدعی است مدیریت اجرایی خواهد و مسئول انجمن مخترعین مشهود است و در کارنامه‌ای که خود در فضای مجازی منتشر کرده مدعی شده، دهها اختراع ثبت شده و دهها مدال طلا و نقره از سراسر جهان را در گنجینه دارد. او این روزها از طریق کنسالت تلگرامی‌اش که بیش از صد هزار عضو دارد، از پیش‌بینی و البته نه پیشگویی زلزله سخن می‌گوید و در کانالش آگهی هم می‌پذیرد. او مدعی است در بازه زمانی مثلاًه روز قبل از هر زلزله، نسبت به رخداد زلزله در یک منطقه از ایران هشدار می‌دهد. حتی چند زلزله تهران، بوشهر و کرمانشاه را پیش‌بینی کرده‌است. آیا واقعا و پیش‌بینی درستی دارد؟

وقوع صدها زمین لرزه کوچک و بزرگ طی ۴۰روز گذشته در نقاط مختلف ایران، سبب تولید و پخش شایعات، تحیلات و البته بهانات علمی و کارشناسی در محافل مختلف شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ای و فضاهای دانشگاهی شده است. نهاد‌های متولی و مردم در نوعی مواجهه بیسر می‌برند. مردم نگران هستند، کیند همین اکنون زلزله‌های بسزورگ رخ دهدد و تجربه تلخ سرپل ذهاب کرمانشاه، دلفان لرستان، ورزقان آذربایجان شرقی، بیم کرمان، رودبار گیلان، بوئین زهرای قزوین و صدها زلزله کوچک و بزرگ دیگر برای آنها تکرار شود. متولیان نگرانند که نتوانند مدیریت بحران زلزله کنند و...

از عربستان هم رحمت می‌آید هم زحمت



اعتراض تهرانی‌ها به آلودگی هوا با تجمع مقابل شهرداری

در تمام سال‌هایی که آلودگی هوا به یکی از معضلات جدی زیست‌محیطی در کلانشهرهای کشور تبدیل شده است، دولت‌ها به وظایف خود برای کمک به گسترش حمل و نقل عمومی در کلانشهرها عمل نکرده‌اند و اعتباراتی که بر اساس قانون باید به شهرداری‌ها اختصاص می‌داد را پرداخت نکرده است.

شهرداری تهران هم در ۱۴سال گذشته به جای توسعه حمل و نقل عمومی بیشتر درگیر ساخت بزرگ‌راه‌ها و اتوبان‌های دوطبقه بوده و به بهانه نرسیدن کمک‌های دولتی از توسعه متناسب حمل و نقل عمومی سرباز زده است.

با اینکه باد و باران در یکی دو روز گذشته به داد تهران رسید و آلودگی پایتخت را که به سمت شرایط خطرناکی پیش می‌رفت با خود برد، جمعی از شهروندان تهرانی در اعتراض به اینکه مسئولان وظایف خود را در مقابل آلودگی هوا انجام نمی‌دهند، مقابل ساختمان شهرداری تهران تجمع کردند.

به گزارش سایت میدان، معترضان می‌گویند نمی‌توان سلامت شهروندان را به وزیدن یا نوزیدن باد موکول کرد و مسئولان باید به وظایف خود درباره گسترش حمل و نقل عمومی، نوسازی ناوگان اتوبوسرانی و تهیه فیلتر دوده برای اتوبوس‌های شهر و جلوگیری از رفت و آمد وسایل نقلیه دودزا عمل کنند.